

درس 26

* چه کسی رویاها را به فرعون داد؟
- خداوند.

* اولین خوابی که خداوند به فرعون داد چه بود؟
- هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را خوردند.

* دومین خوابی که خداوند به فرعون داد چه بود؟
- هفت خوشه نازک هفت خوشه چاق را خوردند.

* چه کسی به یوسف تعبیر رویاهای فرعون را داد؟
- خداوند.

* هر دو خواب فرعون چه معنایی داشت؟
- هفت سال محصول خوب را هفت سال قحطی می خورد.

* هنگامی که یوسف هنوز پسر بود، خداوند چگونه رویاهایی را که به یوسف داده بود برآورده کرد؟
- خدا یوسف را بر تمام مصر پادشاه کرد.

* چرا یعقوب همه خانواده خود را به مصر برد؟
- چون یوسف در مصر زندگی می کرد.
- چون در مصر غذا زیاد بود.
- وقتی یعقوب و پسرانش و خانواده‌هایشان همه به مصر کوچ کردند،

هفتاد نفر بودند.

بیابید خروج 1: 1-5 را بخوانیم :

- 1- چنین است نام پسران اسرائیل که هر یک با اهل خانه خویش همراه یعقوب به مصر رفتند:
- 2- روبن، شمعون، لاوی و یهوذا.
- 3- ایساکار، زبولون و بنیامین.
- 4- دان و نفتالی ; گاد و اشر.
- 5- کسانی که به مصر رفتند هفتاد نفر بودند. (یوسف پیش از آن به مصر رفته بود.)

* نام جدیدی که خداوند به یعقوب داد چه بود؟
- اسرائیل.

- فرزندان ابراهیم، اسحاق و یعقوب نیز اسرائیل یا بنی اسرائیل نامیده می شدند.

- یعقوب و پسرش یوسف و برادرانش و خانواده هایشان سالها در مصر زندگی کردند.

- قحطی پایان یافت و یوسف و برادرانش در مصر به زندگی خود ادامه دادند.

- پدرشان یعقوب درگذشت و یوسف و برادرانش در مصر زندگی

کردند.

- بعداً یوسف و برادرانش مردند و بنی اسرائیل همچنان در مصر زندگی می کردند.

بیابید خروج 1:6 را بخوانیم :

6- سالها گذشت و در این مدت یوسف و برادران او و تمام افراد آن نسل مردند.

- چون بنی اسرائیل به سرزمین کنعان بازنگشتند و سالها در مصر به زندگی خود ادامه دادند، مردم زیادی شدند.

بیابید خروج 1:7 را بخوانیم :

7- ولی فرزندان که از نسل ایشان به دنیا آمدند به سرعت زیاد شدند و قومی بزرگ تشکیل دادند تا آنجا که سرزمین مصر از ایشان پر شد.

- پس از سالها فرعون پادشاه مصر درگذشت.

- سپس یک فرعون جدید جای او را گرفت.

- فرعون جدید مثل فرعون اول مهربان نبود.

- فرعون جدید بسیار شرور بود.

بیابید خروج 1:8-11 را بخوانیم :

8- سپس، پادشاهی در مصر روی کار آمد که یوسف و خدمات او را

نادیده گرفت.

9- او به مردم گفت: تعداد بنی اسرائیل در سرزمین ما روز به روز زیادتر می‌شود و ممکن است برای ما وضع خطرناکی پیش بیاورند.

10- بنابراین بیا باید چاره‌ای بیندیشیم و گرنه تعدادشان زیادتر خواهد شد و در صورت بروز جنگ، آنها به دشمنان ما ملحق شده بر ضد ما خواهند جنگید و از سرزمین ما فرار خواهند کرد.

11- پس مصری‌ها، قوم اسرائیل را برده خود ساختند و مأمورانی بر ایشان گماشتند تا با کار اجباری، آنها را زیر فشار قرار دهند. اسرائیلی‌ها شهرهای فیتوم و رعسیس را برای فرعون ساختند تا از آنها به صورت انبار استفاده کند.

* فرعون جدید با بنی اسرائیل چه کرد؟

- فرعون همه بنی اسرائیل را برده قرار داد.

* چرا فرعون بنی اسرائیل را برده کرد؟

- چون فرعون می‌ترسید که بنی اسرائیل کشور او را تصرف کنند.

* چرا فرعون می‌ترسید که بنی اسرائیل کشور او را تصرف کنند؟

- چون مردم بنی اسرائیل زیاد شده بودند.

* چه کسی فرعون را هدایت می‌کرد تا بنی اسرائیل را برده کند؟

- شیطان .

* چرا شیطان می‌خواست بنی اسرائیل را نابود کند؟

- زیرا شیطان می‌دانست که خداوند وعده فرستادن نجات دهنده را از

- طریق بنی اسرائیل داده است.
- شیطان از خدا متنفر است.
- شیطان از همه مردم متنفر است.
- شیطان نمی خواست خدا از طریق بنی اسرائیل منجی را بفرستد.
- شیطان نمی خواست منجی بیاید و مردم را نجات دهد.
- شیطان از همه شما متنفر است.
- شیطان نمی خواهد که شما به پیام خدا گوش دهید.
- شیطان می خواهد همه شما به دریاچه آتش ابدی بروید.
- اگرچه شیطان می خواست اسرائیل را نابود کند، خدا از آنها محافظت کرد.
- با وجود اینکه شیطان می خواست اسرائیل را نابود کند، خداوند آنها را برکت داد.

* چرا خدا بنی اسرائیل را برکت داد؟
 - زیرا خدا بنی اسرائیل را دوست داشت.
 - زیرا خداوند وعده ای را که به ابراهیم، اسحاق و یعقوب داده بود را
 نقض نمی کند.

بیاید خروج 1: 12-14 را بخوانیم :
 12- با وجود فشار روزافزون مصری ها، تعداد اسرائیلی ها روز به روز
 افزایش می یافت. این امر مصری ها را به وحشت انداخت .
 13- بنابراین، آنها را بیشتر زیر فشار قرار دادند .
 14- به طوری که قوم اسرائیل از عذاب بردگی جانشان به لب رسید،
 چون مجبور بودند در بیابان کارهای طاقت فرسا انجام دهند و برای
 ساختن آن شهرها، خشت و گل تهیه کنند.

- هر چقدر فرعون بر اسرائیل ظلم و ستم بیشتری می کرد، خداوند اسرائیل را بیش از پیش برکت می داد.
- سپس روزی شیطان به فرعون فکر شیطانی دیگری داد.

بیا بید خروج 1: 15-22 را بخوانیم :

- 15- و اما پادشاه مصر، شِفْرَه و فوعه را که قابله‌هایی عبرانی بودند، امر کرده .
- 16- چون فرزندان زنانِ عبرانی را به دنیا می‌آورد و آنها را معاینه می‌کنید، اگر نوزاد پسر بود او را بکشید، ولی اگر دختر بود زنده بگذارید.
- 17 - اما قابله‌ها از خدا ترسیدند و آنچه پادشاه مصر بدیشان گفته بود نکردند بلکه پسران را زنده گذاشتند.
- 18- پس پادشاه مصر احضارشان کرد و پرسید: چرا چنین کردید؟ چرا پسران را زنده گذاشتید؟
- 19- قابله‌ها پاسخ دادند: زنانِ عبرانی همچون زنانِ مصری نیستند. آنها پُر زورند و پیش از رسیدن قابله می‌زایند.
- 20- پس خدا به قابله‌ها احسان کرد؛ و بر شمار قوم افزوده شده، بس نیرومند گشتند.
- 21- و چون قابله‌ها از خدا ترسیدند، خدا نیز آنان را صاحب خانواده ساخت.
- 22- آنگاه فرعون به تمام افراد خویش فرمان داده، گفت: هر پسری را که به دنیا آید، به رود نیل افکنید؛ ولی دختران را زنده بگذارید.

* دومین ایده شیطانی شیطان به فرعون چه بود؟

- شیطان به فرعون این فکر را داد که همه پسران اسرائیلی باید کشته شوند.

* آیا خدا می دانست که شیطان قصد نابودی بنی اسرائیل را دارد؟
- بله.

* آیا خدا به شیطان اجازه می داد که بنی اسرائیل را نابود کند؟
- خیر .

- خداوند از بنی اسرائیل مراقبت و محافظت کرد.

- خداوند همچنین قصد داشت بنی اسرائیل را از مصر خارج کند و به سرزمین کنعان بازگرداند.

- خداوند تصمیم گرفت که بنی اسرائیل را از مصر خارج کند و از طریق شخصی به نام موسی به سرزمین کنعان بازگردد.

داستان موسی

بیابید خروج 2: 1-4 را بخوانیم :

۱- در همین زمان مردی از طایفه لاوی، با زنی از طایفه خویش ازدواج کرد.

۲- و آن زن برای او پسری زایید. وقتی آن زن دید که نوزادش چقدر زیباست، مدّت سه ماه او را پنهان کرد.

۳- اما چون نتوانست بیشتر او را پنهان کند، سبدی را که از نی درست شده بود برداشت و آن را قیراندود کرد تا آب به درونش نفوذ نکند. او بچه را در درون سبد گذاشت و سپس آن را در میان نیزار در کنار رود نیل رها کرد.

4- خواهر طفل، کمی دورتر ایستاده بود تا ببیند چه اتفاقی برای بچه می‌افتد.

- پدر و مادر موسی به خدا ایمان داشتند.

- پدر و مادر موسی معتقد بودند که خداوند از نوزادشان محافظت خواهد کرد.

- بنابراین، خدا به آنها این فکر را داد که بچه موسی را در سبدی بگذارند و سبد را در رودخانه نیل بگذارند.

* آیا خدا از بچه آنها موسی محافظت کرد؟

بیابید خروج 2: 5-10 را بخوانیم :

5- دختر فرعون برای حمام کردن به رود نیل آمد. وقتی ندیمه‌هایش در کنار رود قدم می‌زدند او سبد را در میان نیزار دید. پس یکی از کنیزانش را فرستاد تا سبد را بیاورد.

6- دختر فرعون آن را باز کرد و پسر بچه‌ای را دید. بچه گریه می‌کرد و دختر فرعون دلش به حال بچه سوخت و گفت: این بچه یکی از عبرانیان است.

7- سپس خواهر طفل جلو آمد و به دختر فرعون گفت: می‌خواهید بروم و یکی از زنهای عبرانیان را بیاورم تا بچه را برای شما شیر بدهد؟

8- دختر فرعون گفت: آری برو و این کار را بکن. دختر رفت و مادر خود طفل را آورد.

9- دختر فرعون گفت: این بچه را ببر و برای من نگهدار. من مزد تو را خواهم داد. پس آن زن بچه را گرفت تا از او مواظبت کند.

10- بعدها وقتی که بچه به قدر کافی بزرگ شد، او را به نزد دختر

فرعون آورد. دختر فرعون او را به پسری خود قبول کرد و گفت: من او را از آب گرفتم، پس اسم او را موسی می‌گذارم.

- خداوند دختر فرعون را برای محافظت از موسی فرستاد.
- خداوند دختر فرعون خبیث را فرستاد تا موسی را به فرزندی قبول کند.

- و موسی با فرعون خبیث و دخترش زندگی کرد.

* چرا خداوند دختر فرعون را فرستاد تا موسی را به فرزندی قبول کند؟

- زیرا خدا قصد داشت بنی اسرائیل را از طریق موسی از مصر خارج کند.

- زیرا خدا قصد داشت بنی اسرائیل را از طریق موسی از بردگی خارج کند.

- خدا می‌دانست که موسی در خانه فرعون در امان خواهد بود.

- خدا می‌دانست که موسی خواندن و نوشتن را در خانه فرعون خواهد آموخت.

- خدا می‌دانست که موسی چیزهای زیادی را در خانه فرعون خواهد آموخت که به او کمک می‌کند تا بنی اسرائیل را رهبری کند.

- فرعون می‌خواست بنی اسرائیل را نابود کند، اما خدا از بنی اسرائیل محافظت کرد.

- شیطان و شیاطین او نیز می‌خواستند بنی اسرائیل را نابود کنند، اما خدا از آنها محافظت کرد.

* آیا کسی می‌تواند کار خدا را متوقف کند؟

- خیر .

* آیا هیچ شیطنانی می تواند کار خدا را متوقف کند؟

- خیر .

- آیا شیطان می تواند کار خدا را متوقف کند؟

- خیر .

- خداوند قدرتمند است .

- خدا از اسرائیل محافظت کرد و از همه کسانی که به او ایمان دارند

محافظت خواهد کرد .

- موسی در خانه فرعون بزرگ شد و مرد شد .

روزی موسی بیرون رفت تا ببیند بنی اسرائیل در بردگی چقدر رنج می‌برند .

بیابید خروج 2:11-14 را بخوانیم :

11- وقتی موسی بزرگ شد، رفت تا قوم خود، عبرانیان را ببیند. او دید که چگونه آنان را به کارهای سخت وادار کرده‌اند. حتی دید که یک نفر مصری یک عبرانی را که از قوم خود موسی بود، کتک می‌زند.

12- موسی به اطراف نگاه کرد و چون کسی آنجا نبود، آن مصری را کشت و جنازه‌اش را زیر شن‌ها پنهان کرد.

13- روز بعد برگشت و دید که دو نفر عبرانی با هم گلاویز شده‌اند.

به کسی که مقصّر بود گفت: «چرا هم‌نژاد خود را می‌زنی؟»
14- آن مرد در جواب گفت: چه کسی تو را حاکم و قاضی ما کرده است؟ آیا می‌خواهی مرا هم مثل آن مصری بکشی؟ موسی ترسید و با خود فکر کرد، حتماً همه مردم فهمیده‌اند که من چه کار کرده‌ام.

* آیا بنی اسرائیل توانستند خود را از دست فرعون نجات دهند؟

- خیر .

- موسی سعی کرد بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهد و یکی از مصری‌ها را کشت.

- اما فرعون متوجه شد که موسی یک مصری را کشته است.

* فرعون چه کرد؟

بیابید خروج 15:2 را بخوانیم :

15- وقتی فرعون این ماجرا را شنید، تصمیم گرفت موسی را بکشد. اما موسی فرار کرد و به سرزمین مدیان رفت و در آنجا ساکن شد.

- فرعون متوجه شد که موسی یک مصری را کشته است.

- پس فرعون سعی کرد موسی را بکشد.

- موسی ترسید و فرار کرد.

- موسی به سوی سرزمین مدیان فرار کرد.

* آیا موسی توانست بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهد؟

- خیر .

- موسی سعی کرد بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهد، اما

نتوانست.

* تنها کسی که توانست بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهد چه کسی بود؟
- خداوند.

* تنها کسی که می تواند مردم را از شر شیطان نجات دهد کیست؟
- خداوند.

- همانطور که بنی اسرائیل در اسارت فرعون بودند، همه مردم در اسارت شیطان هستند.

- همانطور که بنی اسرائیل نتوانستند خود را از دست فرعون نجات دهند، همه مردم نیز قادر به نجات خود از شر شیطان نیستند.

- همانطور که موسی نتوانست بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهد، هیچ شخص دیگری نیز نمی تواند ما را از شر شیطان نجات دهد.

- همانطور که فقط خدا توانست بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهد، فقط خدا قادر است همه مردم را از شر شیطان نجات دهد.

- در درس بعدی بیشتر با موسی آشنا خواهیم شد.